



## بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على خير خلقه وأشرفه بريته محمد وآله الطاهرين لاسيما بقية الله في الأرضين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين.

ملخص کلام در مقام اول این شد که: کلمات آقایان اهل سنت در تعریف صحابی مختلف است. اما آنچه که الآن عملشان بر آن است، و از قرون متأخر یعنی از قرن هفتم و هشتم به بعد رأیشان بر آن مستقر شده، قائل اند به آنچه که عبارات حافظ ابن حجر عسقلانی است: وأصح ما وقفت عليه من ذلك، أن الصحابي من لقي النبي صَلَّى اللهُ عليه وسلّم مؤمناً به، ومات على الإسلام، فيدخل فيمن لقيه: من طالت مجالسته له أو قصرت، من روى عنه أو لم يرو عنه، ومن غزا معه أو لم يغز، ومن رآه رؤية ولو لم يجالسه، ومن لم يره لعارض كالعمى.

این کلام ابن حجر عسقلانی است. ببینید چگونه دین تأسیس می‌کنند و بر چه اساسی بناگذاری شده است مذهبشان. همین قدر که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم را دیده باشد کافی است. حال اینگونه مثال می‌زنم و در درس‌هایم اینگونه گفته‌ام: فرض بفرمایید اگر کسی از مکه آمده به مدینه که خرما بخرد؛ زیرا مدینه مرکز خرما بوده است، حال خرما را خرید، و روی کولش خرما را برداشته است و می‌خواهد برود و سوار دابه‌اش بشود و برگردد به مکه.

حال در این اثناء، عبورش افتاد بر جایی که پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم نشسته‌اند. فرض کنید عبورش افتاد به مسجد النبوی، و از این در وارد شد و از آن در خارج شد. به همین مقدار این شخص می‌شود صحابی!!! ولو اینکه تا ابد هم دیگر پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم را نبیند. حال اگر این شخص مطلبی را نقل کند، کلامش صحیح خواهد بود.

چند مطلب را به هم ضمیمه کنید:

یک مطلب اینکه: صحابی این چنین فردی باشد کافی است. حال ایشان مقید کرده است تعریف صحابی را به رؤیت پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم. بنده در کتاب الاستیعاب ابن عبد البرّ دیدم که صحابه‌ای را ذکر می‌کنند، افرادی را جز صحابه رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم ذکر می‌کنند که در عین حالی که هستند در زمان رسول خدا صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم، اما ایشان را ندیده‌اند است. به همین مقدار که معاصر پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم بوده است، او جزء صحابه پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عليه وآله وسلّم شده است. این مطلب را ضمیمه کنید به مطلب عدالت صحابه که در آینده خواهیم خواند.

و به اینکه قول صحابی حجت است. آن وقت ببینید چه می‌شود؟!



این عبارت ابن حجر بود و الآن هم نظرشان همین است، و فعلاً طبق آنچه که از قرن هشتم به بعد بناگذاری شده است، فتوا می دهند. و بر همین اساس هست تا به امروز. این مسئله اول ما بود و مقام اول ما بود. مقام دوم ما عدالت صحابه است.

باز نگاه کنید در عدالت صحابه چند قول ما یافته ایم:

یک قول این است که اساساً صحابه پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم همگی شان بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم کافر شدند. اصلاً همینطوری کافر شدن. کفر الجمیع. آن وقت اگر کافر شده باشند، ما از چه کسی باید دینمان را اخذ کنیم؟ به عبارت دیگر واسطه بین ما و بین رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم چه کسی باید باشد؟ اگر همه کافر شده اند، آیا کفار می توانند واسطه باشند؟ عده ای از علمای عامه نظرشان بر این است. و این مبنا نسبت داده شده است به الفرقة الکاملية. حال باید برویم و ببینیم این ها چه کسانی بودند و در کجا زندگی می کردند و رئیس شان چه کسی بوده است و مبانی شان چطور بوده است؟ این قول اول. عجالتاً این قول مردود است.

قول دوم عدالت همه صحابی است. عدالت یعنی: آدم های خوبی بوده اند و آدم های فاسقی نبودند و گناهی از شان سر نزده است. و ما می توانیم اعتماد کنیم بر این ها. این قول مشهور بین عامه است تا به امروز.

حاکم نیشابوری می گوید: عدالة الصحابة ثابتة معلومة. ما علم داریم به عدالت صحابی و امری مسلم است. ابن حزم اندلسی می گوید الصحابة کلهم من أهل الجنة قطعاً. همگی صحابه اهل بهشت هستند قطعاً. آن وقت ضمیمه کنید همانطور که عرض کردم این عبارت ها را به تعریف صحابی آن وقت چه می شود؟! ابن الأثیر می گوید: إنهم کلهم عدول لا يتقرب إليهم الجرح اصلاً نمی شود خدشه کرد در وثاقت و عدالتشان.

یکی از بزرگان متقدمین گفته است که اساساً اگر کسی یک فرد از صحابه را جسارت کند، به تعبیر بنده اصلاً زندیق است. إذا رأيت الرجل ينتقص أحداً من أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم فاعلم أنه زندیق، وذلك أن الرسول صلی الله علیه وسلم عندنا حق، والقرآن حق، وإنما أدى إلينا هذا القرآن والسنن أصحاب رسول الله صلی الله علیه وسلم.

واسطه بین ما و بین پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در فهم قرآن و در حلال و حرام و در سنن و در مستحبات الی آخر واسطه چه کسی است؟ واسطه صحابه اند.



پس اگر بنا باشد که صحابه مورد خدشه قرار بگیرند، قرآن مورد خدشه قرار می‌گیرد، دین مورد خدشه قرار می‌گیرد، سنت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم مورد خدشه قرار می‌گیرد. خدشه کردن در سنن رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم یعنی زندقه و خروج از دین، یعنی بی‌دینی.

بند این عبارت آنجا است و همیشه بنده در درس‌ها گفته‌ام که همیشه بند مطلب را پیدا کنید. بند مطلب اینجاست که منحصر کرده‌اند راه را به رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم. به کجا؟ در صحابه. اهل بیت علیهم الصلاة والسلام را گذاشتند کنار و واسطه منحصر شده است در صحابه و صحابه واسطه‌اند بین ما و بین رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم. آن وقت اگر کسی خدشه کند در صحابه، در قرآن خدشه می‌شود در احکام و در سنن الی آخر، خدشه خواهد شد.

کسی نیست که به این‌ها بگوید که: اهل بیت علیهم الصلاة والسلام اولاً مقامی که دارند، این همه توصیه‌ای که رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم کردند، حال گذشته از مسئله عصمت، اهل بیت علیهم الصلاة والسلام هم صحابه‌اند. أميرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام از صحابه است. امام حسن مجتبی علیه الصلاة والسلام از صحابه است سیدالشهداء علیه الصلاة والسلام از صحابه است. سه امام ما از صحابه‌اند طبق تعریف شما.

منحصر کردن راه را در صحابه. آن وقت خواهیم خواند بعداً که چه کبائری از بعضی از صحابه صادر شده است. که هیچ چاره‌ای ندارند و هیچ جزایی ندارند جز جهنم. این کبائر از برخی از صحابه صادر شده است و در منابع معتبر آمده است و خواهیم خواند.

یا بایستی از عدالت صحابه دست برداریم، یا بایستی دین را تأسیس کنیم بر اقوال و فتاوی و انظار جمیع این آقایانی که صرفاً یک مرتبه پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را دیده‌اند و یا ندیده‌اند. بنابر نظر کتاب الاستیعاب که مراجعه کردم.

آن وقت ببینید چه می‌شود؟ علت همه این‌ها چیست و از کجا ناشی می‌شود؟ از جدا شدن از اهل بیت علیهم الصلاة والسلام.

وقتی نگاه می‌کنیم به کتاب سعدالدین تفتازانی، وقتی نگاه می‌کنی به کتاب شمس الدین ذهبی، وقتی نگاه می‌کنیم به این طبقه از علمای متوسط که در قرن ششم و هفتم و هشتم و مقداری این طرف و آن طرف‌تر، وقتی ملاحظه می‌کنیم، می‌بینیم که بله این فسق‌ها و فجورها و کبائر از صحابه سر زده و ما نمی‌توانیم منکر بشویم اما حرفش را نزنید. این‌ها را افشاء نکنید. این‌ها عبارات خودشان است.



آن وقت استدلال می‌کنند برای این قول: قول عدالت صحابه، با این میزان و با این ملاک که من لقی النبی صلی الله علیه وآله وسلم فقط. یک مرتبه پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم را دیده است، سالیانی مرتد بوده و دوباره برگشت و شهادتین را بر زبان جاری کرد و مرد، از صحابه خواهد بود.

اشعث بن قیس می‌گویند مرتد شد و از اسلام برگشت. دوباره تظاهر به اسلام کرد و خلیفه اول خواهرش را به او داد و مات علی الإسلام فهو من الصحابة.

استدلال می‌کنند برای عدالت صحابه به این ترتیبی که عرض کردم به آیاتی از قرآن مجید. بسیار خوب اگر آیات قرآن مجید دلالت کند بر عدالت صحابه، ما نوکر قرآن هستیم. با کسی هم دعوا نداریم، خصومت شخصی با کسی نداریم و به کسی نمی‌خواهیم اهانت کنیم.

به آیاتی استدلال کرده‌اند. راجع به این آیات بحث شده و این مطالبی را که بنده عرض می‌کنم اختصاص به خودم ندارد و علمای ما بحث کرده‌اند و بنده یک مطالبی را گفته‌ام و نوشته‌ام.

آیاتی که در قرآن مجید داریم خواهی خواند ولو به اختصار رد می‌شویم ولی می‌خوانم. اولاً آیات قرآن مجید مختلف است. اگر آیاتی داریم در مدح صحابه، آیه‌ای هم داریم که: «وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ».

این آیه را چه کنیم؟ بنده در این آیه مبارکه در مباحثم که دقت کردم متوجه شدم دیگرانم که با بنده بودند این‌ها همگی تأیید کردند که آیه دلالت دارد بر اکثریت، اما یک عده قلیلی باقی ماندند: «وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ». این یک آیه مبارکه که در قرآن است. حال چه کنیم؟

آیات دیگری که داریم فراوان است، که شاید برخی از آیات را بخوانم که سوره منافقون در قرآن داریم آیاتی که جسارت بر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم کردند از صحابه. آیه سوره جمعه: «وَإِذَا رَأَوْا تِجَارَةً أَوْ لَهْوًا انفَضُّوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا» و امثال ذلك. این‌ها را چه کنیم؟ استدلال به قرآن به راحتی برای عدالت صحابه نمی‌شود کرد.

حال آیاتی که ذکر کردند: خطیب بغدادی، ابن حجر عسقلانی و جمعی از بزرگان نشان استدلال کرده‌اند به آیه مبارکه «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ». «كُنْتُمْ» خطاب به صحابه است. این‌گونه ادعا می‌کنند. «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» بهترین امت‌ها شما هستید. «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».



فخر رازی در ذیل این آیه اینگونه می‌گوید: والمعنی أنکم کنتم فی اللوح المحفوظ خیر الأمم وأفضلهم، فاللائق بهذا أن لا تبطلوا علی أنفسکم هذه الفضیلة، وأن لا تزیلوا عن أنفسکم هذه الخصلة المحمودة، وأن تكونوا منقادین مطیعین فی کل ما یتوجه علیکم من التکالیف... الوجه الثانی: وهو ( أن الألف واللام ) فی لفظ { المعروف } ولفظ { المنکر } یفیدان الاستغراق، وهذا یقتضی کونهم آمرین بكل معروف، وناهین عن کل منکر ومتی كانوا كذلك کان إجماعهم حقا وصدقا لا محالة فکان حجة.

چرا «کُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ»؟ به علت اینکه «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ».

آن وقت صحابی که خودش اهل منکر است، صحابی که خودش تارک معروف هست، صحابی که ما باید او را امر به معروف و نهی از منکر کنیم، چگونه آیه دلالت بر عصمت و خیریت او دارد؟ تا وقتی که «تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ» هست، آنها بهترین امت‌ها هستند.

ابن کثیر که باز از علمای بزرگ اهل سنت هست، و شاگرد ابن تیمیه هم هست، می‌گوید که: آیه اساساً ربطی به صحابه ندارد. آیه مربوط به عموم مسلمین است تا روز قیامت.

لذا استدلال به آیه مبارکه برای اثبات عدالت صحابه، علاوه اینکه در خصوصیات الفاظ آیه دقت کنیم، می‌بینیم: استدلال اساساً از بیخ باطل است. آیه مربوط به همه‌ی امت تا روز قیامت است. و این امت بهترین امم هست به شرط اینکه امر به معروف و نهی از منکر کند. قضیه به کجا برگشت؟ قضیه برگشت به امر به معروف و نهی از منکر. لذا هر کسی که این کار را انجام بدهد و به این واجب قیام و عمل کند به این مسئله، البته آدم خوبی است.

آنگاه باید برویم و بحث بکنیم که چه کسی امر به معروف کرده و چه کسی نکرده؟ چه کسی خودش منکر مرتکب شده و چه کسی مرتکب نشده؟ لذا به قول ما بحث بحث صغروی خواهد شد.

الصلابی که از بزرگان مفسرین آنها است می‌گوید این آیه مبارکه مدح لهذه الأمة نه صحابه. مدح لهذه الأمة ما أقاموا ذلك. این ما ظرفیه است یعنی تا وقتی که این چنین باشند: عامل به معروف ناهی از منکر تا آخر آیه مبارکه «وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَكُوفُوا أَوْلِيَّ الْأَوْلِيَاءِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ».

بعد می‌گوید: که واتصفوا به، فإذا ترکوا التّغییر وتواطأوا علی المنکر زال عنهم اسم المدح ولحقهم اسم الذم وكان ذلك سببا لهلاكهم. این آیه به چه درد خورد؟ آیه فقط مدح است و دلالت بر عدالت نکرد، مدح همه امت اسلام است به شرط اینکه به قید اینکه: اهل امر به معروف و نهی از منکر باشند. البته جامعه‌ای که امر به معروف کنند و نهی از منکر کنند و اثر بگذارند، این امرها و نهی‌ها، بلا اشکال امت خوبی و جامعه خوبی خواهد بود. اینکه بحثی درش نیست.



آیه دومی که استدلال کرده‌اند «وَكذلكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا» این آیه باز دلالت بر عدالت همه صحابه رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ می‌کند؟ که ما تحقیق کردیم و از کلمات بزرگان مفسرین شان نقل کرده‌ایم، که اساساً این مسئله ربطی به عدالت صحابه ندارد.

آیه سوم: «لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ» تا آخر آیه مبارکه. اینجا مدح شده‌اند مؤمنینی که بیعت کردن با رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ بیعت شجره را. فعلاً آنها در این آیه مورد مدح قرار گرفته‌اند. و ربطی به عموم صحابه ندارد. آنهایی که در بیعت الشجره حضور داشتند.

حال اگر یافتیم در بین کسانی که در بیعت شجره بودند و بعداً مرتد شدند، چه کار باید کنیم؟ و هست. و از آن طرف، ما تحقیق کرده‌ایم در قتله عثمان بوده کسی که از اهل بیعت شجره است. آیا عادل است؟ پس کار خوبی کرده است. اگر کار بدی کرده است، پس عادل نیست.

و این مطالبی که عرض می‌کنم کلمه به کلمه مستند است به منابع معتبره. و مطالب دیگری راجع به این آیه و آیات سوره فتح و بیعت شجره هست که نوشتیم ولی به خاطر اینکه وقت بیشتری نگیرد نمی‌خوانم اما این روایت را می‌خوانم. خوب دقت کنید:

بخاری و غیر بخاری روایت کردند رعایت در منابع دست اولشان: کسی رفت خدمت براء بن عازب که از صحابی است که در بیعت شجره بوده است. و مورد رضایت خداوند است. آمد خدمت براء و به او گفت: طوبی لک صاحب‌النبی صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وبایعته و بیعت الشجره خوشا به حالت این آیه شامل حال تو می‌شود. که «رضی الله». چه برگشت گفت؟ گفت: یا بن اخی انک لا تدری ما أحدثنا بعده. بعد از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نمی‌دانی چه بدعت‌هایی ما در دین گذاشتیم. چه مخالفت‌هایی با شریعت کردیم. کنایه از اینکه آن «رضی الله» تمام شد. این روایت در صحاح خودشان است.

این کلام از این شخص که از صحابه معروف است، در احادیث متواتره از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ وارد شده است. به تواتر وارد شده است.

یک وقتی من پیگیری کردم این حدیث را، حدود ۵۰ صحابی این حدیث را از پیغمبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ نقل کرده‌اند. که من در کنار حوض کوثر می‌ایستم، و شماها را به تعبیر بنده دسته دسته می‌آورند، وارد می‌شوید بر حوض فیؤخذ بهم ذات الشمال شما را می‌برند به طرف آن طرف. حضرت فرمودند که به خدا می‌گویم: خدایا اصحابی اصحابی. جواب می‌آید: انک لا تدری ما أحدثوا من بعدک. این همان است که براء بن عازب می‌گوید.



و از آن طرف باز دقت کنید این ظرایف را. در سوره فتح در خصوص بیعة الشجرة و مدح صحابی در آن واقعه، دو سه تا آیه است نه یک آیه. یکی از این آیات این چنین آمده است که: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ». این اولاً یک وصف که باید دقت کنیم در این وصف که همه صحابه این چنین بودند بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم. «تَرَاهُمْ رُكْعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا». این تمام شد دنبالش «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا».

همه این آیات علی فرض اینکه دلالت هایشان تمام بشود، که هیچ کدام تمام نیست؛ مقید هستند به این قسمت از آیه مبارکه. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا».

پس آیاتی که استدلال می کنند برای عدالت صحابه، با فرض اینکه دلالت شان تمام باشد، اولاً معارض دارند، ثانیاً مقید دارند. دقت کنید به آن جوری که عرض می کنم.

آیه دیگر: «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ» تا آخر آیه مبارکه. این آیه اولاً مربوط است به «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» نه همه صحابه. و از این آیه عدالت همه صحابه در نمی آید اولاً. و ثانیاً این آیه دلالت می کند بر مدح، و عدالت غیر از مدح است. آن هم خصوص «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ».

حال این «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» چه کسانی هستند؟ علمای اهل سنت نظرات مختلفی دارند که «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» چه کسانی هستند؟ و جمعی از بزرگان شان گفتند به اینکه این آیه مبارکه، تا روز قیامت جاری است. به صحابه اصلاً اختصاص ندارد. نگاه کنید به تفاسیر شان.

آیه دیگر: «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» کجای این آیه دلالت بر عدالت صحابه می کند؟ «وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» مورد مدح قرار گرفته اند، آن وقت دوباره بحث ما صغروی خواهد شد، که کسانی که تبعیت کردند؟ چه کسانی هستند؟ و چه کسانی نیستند؟

از آن طرف «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» چه کسانی هستند؟ ثابت شده است در کتب به اسانید معتبره که «وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ» امیر المؤمنین علیه الصلاة والسلام، حضرت حمزه، جعفر طیار، ابوذر، این طبقه هستند. و در تاریخ طبری به سند صحیح آماده است که از سعد بن ابی وقاص سوال شد که آیا خلیفه اول اول من أسلم است؟ قال أسلم بعد خمسين.

این ها عمده ادله آنها بود بر عدالت صحابه رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم.

این خاطره را هم بگویم که جلسه امشب را ختم کنیم.



در مسجد النبی مشرف شدم برای سفر عمره برای اولین بار در ۴۰ سال قبل. وارد مسجد النبی شدم و بعد از زیارت رفتم قرآنی را از داخل قفسه بردارم تا تلاوت قرآن کنم در مسجد النبی، جمعی از طلاب مدینه منوره آنجا نشسته بودند. بنده وقتی خم شدم تا قرآن را از داخل قفسه بردارم، چون این قرآن‌ها کنار محراب رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بود، این‌ها فکر کردن که من خم شدم تا محراب را ببوسم.

یکیشون بلند شد و ایستاد تا مرا مانع شود. بنده گفتم که این آقا برای چه ایستاد؟ زیرا غیر مترقب بود و یک دفعه بلند شد و ایستاد. گفتن ما گمان کردیم که شما می‌خواهید محراب را ببوسید با این شخص بلند شد تا مانع انجام این کار شما بشود. گفتم: مگر بوسیدن محراب اشکالی دارد؟ که این آقا بلند شد تا مرا مانع بشود؟ گفتند: بله شرک است.

به آنها گفتم که: من برای شما اثبات می‌کنم که بوسیدن محراب شرک نیست. گفتند: تو ثابت می‌کنی؟ گفتم بله. این جریان شاید مربوط به بیش از ۴۰ سال قبل باشد.

قرآن را برگرداندم و نشستم. آنها جمعی بودند و بنده تنها بودم. ثابت کردم برایشون که بوسیدن محراب شرک نیست. و آنها در این مسئله ناتوان بودند. لذا مسئله دیگری را عنوان کردند. مجدداً مسئله سومی را عنوان کردند. مسئله چهارمی عنوان کردند. در این مسائل آنها ماندند.

عاقبت مسئله صحابه را مطرح کردند که دیگر مسئله‌ای است که حساس. گفتم که به نظر ما صحابه دو دسته هستند: یک دسته کسانی هستند که همراه رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم بودند و در جنگ‌ها شرکت کردند، در غزوات شرکت کردند و همراه پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم بودند، و این‌ها در زمان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم از دنیا رفتند. حال یا به حتف انف و به مرگ طبیعی از دنیا رفتند، و یا شهید شدند در غزوات و جنگ‌ها. ما این قسم از صحابه را احترام می‌کنیم. آنها هم گفتند بله ما هم احترام می‌کنیم. گفتم پس در این قسمت صحابه بین ما و شما اختلافی نیست.

قسم دوم از صحابه کسانی هستند که بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم در قید حیات بودند. این قسمت دوم به دو قسم منقسم می‌شوند:

یک قسم صحابه‌ای هستند که به وصیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عمل کردند، ما به این صحابه هم احترام می‌کنیم. و از نظر ما این‌ها مقام و احترام دارند، و ما از این صحابه تجلیل می‌کنیم. گفتند: بله نظر ما هم همین است.





گفتم: قسم دوم صحابه ای هستند که به وصیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عمل نکردند، ما اینها را احترام نمی‌کنیم. زیرا به وصیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عمل نکردند. آیا شما کسانی را که به وصیت رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم عمل نکردند را احترام می‌کنید؟ گفتن نه ما هم احترام نمی‌کنیم.

گفتم بنابراین صحابه دیگری باقی نماند. تکلیف همه صحابه روشن شد.

گفتند: عجب پس این وصیتی که تو می‌گویی که پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم وصیت کردند و ملاک وصیت شد و عمل کردن به وصیت بعد از پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم مقصود تو از وصیت چیست؟ ما آنچه احمد فی مسنده و ترمذی فی سننه والحاکم فی مستدرکه همینطور چند منبع دیگر را ذکر کردم آنه صلی الله علیه وآله وسلم قال: یوشک أن ادعی فأجیب وانی مخلف فیکم ما ان تمسکتُم به لن تضلّوا من بعدی. کتاب الله وعترتی اهل بیتی. وإنهما لن یفترقا حتی یردا علیّ الحوض.

اینها دیگر همانطور ماندند. اما آیا ساکت ماندند خیر بلکه شروع کردند به بد و بیراه گفتن به من. و بنده دوباره برگشتم به تلاوت قرآن مجید.

این اعتقاد ما است نسبت به صحابه از حیث عدالت و عدم عدالت. احوال را در جلسه بعد خواهیم گفت و بعد مطلبی داریم از امام سجاد علیه الصلاة والسلام در دعای چهل و هشتم نگاه بفرمایید و در جلسه آینده خواهیم خواند.

و السلام علیکم و رحمة الله و برکاته